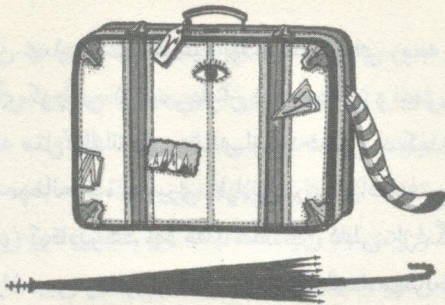


کیت میلفرد | فرزانه مختاری



یک

مهمانخانه‌ی قاچاقچی‌ها

برای انجام دادن هر کاری، هم راه درست وجود دارد و هم راه غلط. اگر می‌خواهید در شهر قاچاقچی‌ها هتلی را اداره کنید، اول این‌که نباید به زیاد سؤال کردن عادت داشته باشید و دوم این‌که نباید به خاطر پول این کار را انجام دهید. قاچاقچی‌ها هر وقت بتوانند برای هشت جعبه جوهرِ خودنویس که به‌رنگ سبز غیرقانونی می‌نویسد، مشتری پیدا کنند، غرق در پول می‌شوند؛ اما هیچ‌وقت برای امروزشان پول ندارند. اگر می‌خواهید هتل قاچاقچی‌ها را اداره کنید، باید یک دفتر حساب بزرگ داشته باشید و فرض کنید صرف‌نظر از هر چیزی که توی آن می‌نویسید، به‌جای پول، به شما جوهر خودنویس می‌دهند؛ تازه آن هم اگر خوش‌شانس باشید! چون ممکن است حتی با دادن چیزهای بی‌فایده‌تر از این با شما تسویه حساب کنند.

مایلو پاین^۱ هتل قاچاقچی‌ها را اداره نمی‌کرد؛ اما، پدر و مادرش این کار را می‌کردند. درواقع آن‌جا مهمانخانه بود؛ عمارتی خیلی بزرگ و درب‌وداغان که انگار از تکه‌های دورانداختنی چند عمارت جورواجور از چند شهر مختلف سرهم

1- Milo Pine